

فاطمه شریفی

نزدیک به ۱۰سال از فاجعه تلخ منما می گذرد، حادثه‌ای که در جریان مناسک حج، جان نزدیک به ۵۰۰ زائر ایرانی و حدود ۷هزار نفر از حجاج کشورهای مختلف را گرفت. در آستانه عید قربان و سالگرد این حادثه دردناک، مروری بر کتاب «خیابان ۲۰۴» می‌کنیم. این کتاب نوشته زهرا کاردانی یکی از نمونه‌های موفق مستندنگاری در ادبیات معاصر ایران است که به فاجعه تلخ منا در سال ۱۳۹۴ می‌پردازد. این کتاب نه تنها روایتی انسانی از یک فاجعه است، بلکه تلاش قابل توجهی برای مستندسازی لحظاتی است که نه در رسانه‌ها کامل ثبت شدند، نه در حافظه عمومی چندان ماندگار ماندند. نویسنده در این کتاب با رویکردی مستندنگارانه، از ورود به تحلیل‌های شخصی و قضاوت‌های احساسی پرهیز کرده است.او در مقدمه کتاب می‌نویسد که تلاش کرده تا هیچ نگاهی را به مخاطب القا نکند و روایت‌ها را به صورت بی‌واسطه از زبان شاهدان عینی نقل کند. این رویکرد باعث شده است که کتاب از بار عاطفی کمتری بر خور دار باشد و بیشتر بر واقعیت‌های حادثه تمرکز کند. همچنین، کاردانی با استفاده از زبان ساده و روان، توانسته است تا عمق فاجعه را بدون اغراق و در عین حال با احترام به احساسات خواننده، منتقل کند. در این یادداشت، جنبه‌های گوناگون اثر از ساختار و سبک نگارش گرفته تا نقاط قوت و ضعف محتوایی و تکنیکی آن بررسی خواهد شد. ■■■

کتاب در چهار بخش تدوین شده است که هر کدام از دیدگاه گروه خاصی از افراد به حادثه می‌نگرد:
«روایت شاهدان عینی» افرادی که در روز حادثه در منا حضور داشتند و وقایع را از نزدیک مشاهده کرده‌اند

سینما

محمدحسین یوسفی

سینمای ایران همواره یکی از عرصه‌های مهم در بیان دغدغه‌های اجتماعی، انسانی و معنوی بوده است. در میان ژانرهای مختلف سینمایی، آثاری که به موضوع تحول و تغییر درونی و توبه شخصیت‌ها می‌پردازند، جایگاه ویژه‌ای دارند، چرا که این موضوع نه تنها بازتابی از مسائل فردی است، بلکه ریشه در فرهنگ و مذهب مردم ایران دارد. توبه بازگشت به راه درست، مفهومی است که در ادبیات دینی و عرفانی ایران بارها مطرح شده و سینما به عنوان آینه‌ای از جامعه، این موضوع را به شیوه‌ای تصویری و ملموس به نمایش گذاشته است.

در این میان، فیلم «صبح اعدام» به کارگردانی بهروز افخمی که از سوی حوزه هنری انقلاب اسلامی ساخته شده، نمونه‌ای برجسته و عمیق در پرداخت به تحول شخصیت است. به مناسبت آکران فیلم «صبح اعدام»، تازه‌ترین اثر بهروز افخمی، مروری داریم بر دیگر فیلم‌های سینمایی که به تغییر و تحول درونی شخصیت‌ها پرداخته‌اند.

علاوه بر «صبح اعدام»، فیلم‌های چون «خیلی دور خیلی نزدیک» ساخته، رضا میرکریمی که روایت انسانی از کشمکش‌های درونی و جست‌وجوی معنایی نوراً به تصویر می‌کشد و دواثر «بایکوت» و «توبه نصوح» به کارگردانی محسن مخملباف که هر کدام به شیوه‌ای خاص به موضوع تحول شخصیت و بازگشت به مسیر درست می‌پردازند، نمونه‌های درخشان این نوع سینما هستند. بازگشت به خویشتن دستمایه بسیاری از فیلم‌های کمدی نیز بوده است، «مارمولک» و «لیلی با من است» اثر کمال تبریزی و فیلم «ادم برقی» ساخته داوود میرباقری نمونه‌هایی در سینمای کمدی هستند.

«صبح اعدام (بهروز افخمی)»

فیلم «صبح اعدام» به کارگردانی بهروز افخمی و تولید حوزه هنری، برششی از لحظات پایانی زندگی طیب حاج‌زایی و اسماعیل رضایی را در صبح روز ۱۵خرداد ۱۳۴۲ به تصویر می‌کشد. داستان فیلم درباره زمانی تا ۵ تا ۶:۳۰ صبح همان روز روایت می‌شود. زمانی که این دو مبارز پس از قیام خونین ۱۵ خرداد به اتهام مبارزه با رژیم پهلوی، محکوم به اعدام شده‌اند. فیلم با تمرکز بر فضای درونی شخصیت‌ها، تحول طیب حاج رضایی را به نمایش می‌گذارد، از مردی که روزگاری در محله‌های جنوب تهران و در زورخانه‌ها شناخته می‌شد و زندگی جاهلی داشت، به فردی مؤمن و مصمم در مسیر انقلاب تبدیل شد. طیب که ابتدا از حامیان رژیم شاه بود، در مسیر آشنایی با نهضت امام خمینی(ره) تغییر کرد و در نهایت به شجاعت و صداقت از ایمان خود دفاع کرد تا پای جان ایستاد.

«صبح اعدام» فیلمی تأثیرگذار است که هم لحظات آخر زندگی این شهید بزرگ را به تصویر می‌کشد و هم نمایشگر تحول روحی و معنوی یک انسان است که انتخاب حق را بر هر چیز ترجیح داد. این اثر هنری، یادآور فداکاری‌ها و ایثارهای شهدای انقلاب اسلامی است و در یادها باقی خواهد ماند.

«خیلی دور خیلی نزدیک (رضا میرکریمی)»

فیلم «خیلی دور خیلی نزدیک» ساخته رضا میرکریمی، روایتگر داستان دکتر محمود عالم، جراح مغز و اعصابی است که درگیر کار و دغدغه‌هایش شده و به تدریج ارتباطش با پسر نوجوانش سامان را از دست داده است. در شب تولد سامان، دکتر با خرید تلسکوپ برای پسرش سعی می‌کند نزدیکی

«روایت همسفران:» افرادی که همراه یا عزیزان خود به سفر حج رفته بودند و پس از حادثه، تنها به خانه بازگشتند.

«روایت گروه تفحص شهید:» اعضای تیم تفحص که از همان لحظات اولیه حادثه، مشغول امدادرسانی و جست‌وجوی پیکرهای مطهر شهید بودند.

«روایت خانواده‌های شهید:» افرادی که در ایران، پس از دریافت خبر شهادت عزیزان‌شان، با مشکلات و چالش‌های مختلفی مواجه شدند. این دسته‌بندی هوشمندانه به مخاطب امکان می‌دهد با زوایای مختلف ماجرا آشنا شود. روایت، با زبانی ساده اما تأثیرگذار، به ترسیم فضای وقوع حادثه، سردرگمی و رنج انسانی ناشی از آن کمک می‌کند. در این میان، نویسنده از ورود به هرگونه قضاوت مستقیم یا تحمیل نظر شخصی پرهیز کرده و سعی کرده صدای اروایان باقی بماند، نه صدای مؤلف. زهرا کاردانی از زبانی ساده، روان و گاه محاوره‌ای استفاده کرده است، چیزی که ارتباط مخاطب عام را با کتاب تسهیل می‌کند. ویژگی بارز زبان اهل ادبیات، بیش از حد «گزارشی» و فاقد ظرافت‌های زبانی تلقی شود. نثر ادبی یا شعار دادن، در لحظاتی بار احساسی بالایی به مخاطب منتقل کند، بدون اینکه به ورطه سانتی‌مانتالیسم بیفتد.

با این حال، همین زبان گاهی ممکن است برای مخاطبان حرفه‌ای تر یا اهل ادبیات، بیش از حد «گزارشی» و فاقد ظرافت‌های زبانی تلقی شود. ولی در چارچوب هدف کتاب که مستندسازی عینی است، این انتخاب زبانی کاملاً منطقی و قابل دفاع است.

یکی از ارزشمندترین ویژگی‌های «خیابان ۲۰۴» رویکرد حرفه‌ای نویسنده در مستندسازی حادثه است. زهرا کاردانی به‌جای افزودن روایت شخصی یا تحلیل‌های عاطفی، به سراغ منابع دست اول رفته: با بازماندگان گفت‌وگو کرده، تجربه‌های زیسته را ثبت کرده و تلاش کرده است که صدای قربانیان و بازماندگان باشد، نه مفسر آنها.

فرهنگی

سرویس فرهنگی ۶۰۸۵۲۳۰

نقدی بر مستندنگاری زهرا کاردانی

«خیابان ۲۰۴» روایتی بی‌پرده از فاجعه‌ای «منا»

در فضایی که رسانه‌ها گاهی واقعیت را به شکل گزینشی یا احساسی روایت می‌کنند، این نوع بی‌طرفی ارزشمند است. کاردانی به‌خوبی نشان داده که حتی در اوج بحران‌های انسانی می‌توان نگاهی منصفانه و دقیق داشت.

«مضامین پنهان و جنبه‌های انسانی»

فراتر از روایت حادثه، کتاب به مضامین عمیق‌تری همچون بحران هویت، مواجهه با مرگ، تجربه گم‌شدگی، ناکارآمدی مدیریتی و مسئولیت اجتماعی می‌پردازد. روایت خانواده‌هایی که برای شناسایی اجساد سفر کردند یا اعضای گروه تفحص که با پیکرهای بی‌جان در شرایط دشوار روبه‌رو بودند، به‌خوبی لایه‌های عاطفی و روانی بحران را عیان می‌کند.

همچنین برخی روایت‌ها پرسش‌های مهمی را درباره نحوه مدیریت مراسم حج، نقش دولت‌ها و سازمان‌ها و مسئولیت در قبال زائران مطرح می‌کنند گرچه کتاب از وارد شدن مستقیم به تحلیل این مسائل شیوه باعث شده است. کتاب عمق انسانی داشته باشد و روایت‌ها زنده گفته شد کاردانی از تحلیل‌های شخصی و داوری‌های احساسی پرهیز کرده و کوشیده است، روایت‌هایی دست اول و صادقانه را ارائه دهد. این رویکرد موجب افزایش اعتبار و قابل اعتماد بودن روایت‌ها می‌شود، این شیوه باعث شده است، کتاب عمق انسانی داشته باشد و روایت‌ها زنده و باورپذیر باشند. در واقع «خیابان ۲۰۴» نه بر پایه قضاوت، بلکه بر پایه تجربه‌های انسانی ساخته شده است. کاردانی با تقسیم‌بندی کتاب به چهار بخش (شاهدان عینی، همسفران، تیم تفحص، خانواده‌ها) به فهم بهتر روایت‌ها و حفظ تمرکز مدقی مخاطب کمک می‌کند. نویسنده با وجود موضوع تلخ کتاب، از ایجاد فضای اغراق آمیز احساسی خودداری کرده و روایت‌ها را در چارچوب واقعیت نگه داشته است. این ویژگی باعث شده کتاب برای پژوهشگران و روزنامه‌نگاران نیز مفید باشد. علاوه بر

پر از تضادهای درونی است.

«مارمولک (کمال تبریزی)»

فیلم «مارمولک» باپره‌گیری از طنزی تلخ و انسانی، داستان مردی را روایت می‌کند که در مسیر فرار از زندان، ناخواسته در لباس روحانیت قرار می‌گیرد و در قالب یک روحانی قلابی به مسجدی در شهری کوچک فرستاده می‌شود. اما آنچه در ابتدا یک بازی و فریب است، به تدریج به بیداری درونی و مواجهه با حقیقت بدل می‌شود. رضا مارمولک که زندگی‌اش بر پایه فریب و بهرکاری بوده، در مواجهه با مردم ساده‌دل و ایمان‌شان، به درک تازه‌ای از مفهوم دین، اخلاق و مسئولیت می‌رسد. «مارمولک» با بیانی طنز اما تأثیرگذار، مفهوم توبه را نه در فضای رسمی و خطابه‌وار، بلکه در تجربه زیسته و هم‌نشینی با مردم معنا می‌کند؛ گویی راه رسیدن به خدا، چنان‌که شخصیت فیلم می‌گوید، به تعداد آدم‌هاست، اما بازگشت، همیشه از دل صداقت و دگرگونی درونی می‌گذرد.

«آدم‌برفی (داوود میرباقری)»

در فیلم «آدم‌برقی»، داوود میرباقری با نگاهی جسورانه و گاه طنزآمیز، به مسئله هویت، مهاجرت و بحران‌های اخلاقی و شخصی می‌پردازد. شخصیت عباس خاکپور که برای گرفتن ویزای مهاجرت، تن به پوشیدن لباس زنانه می‌دهد، در مسیر پیچیده دروغ و تقلید، کم‌کم با لایه‌های پنهان‌تری از خود مواجه می‌شود. هرچند انگیزه‌اش در ابتدا صرفاً عبور از مرزهاست اما برخورد با انسان‌هایی صادق‌تر و رنج‌هایی اصیل‌تر، او را به تردید و بازاندیشی درباره خودش می‌رساند. «آدم‌برقی» بر بستر طنز، سیر تحول انسانی را روایت می‌کند که میان بحران هویتی و فشارهای اجتماعی، در نهایت به کشف صداقت و نوعی آشتی با خویشتن می‌رسد. این فیلم بازتابی از نوعی توبه نموده است، توبه‌ای از خودفروبی و بی‌ریختگی که در تقابل با تجربه‌های عمیق انسانی رخ می‌دهد.

«لیلی با من است (کمال تبریزی)»

فیلم «لیلی با من است» آثری است که در دل جنگ، با زبانی طنز اما ملموز از معنای درونی، به داستان تحول شخصیت اصلی‌اش، صادق مشکینی، می‌پردازد. او که تنها برای گرفتن وام به منطقه جنگی می‌رود، در مواجهه با مجاهدت رزمندگان و خطرهای واقعی جنگ، دچار دگرگونی درونی می‌شود. در ابتدا او مردی ترسو، منفعت‌طلب و بی‌اعتنا به ارزش‌های دفاع مقدس است، اما حضور در جبهه و نزدیکی به مرگ، باعث بیداری وجدانی و دینی در او می‌شود. این فیلم به شیوه‌ای هنرمندانه، موضوع توبه و بازگشت را در بستری غیرمتعارف (جنگ و طنز) مطرح می‌کند و نشان می‌دهد، گاهی حتی نیت‌های نادرست هم می‌توانند مقدمه‌ای بر یک تحول اصیل باشند. «لیلی با من است» ستایشی از بازگشت انسان به حقیقت خویش است، حتی اگر این بازگشت در میانه میدان مین باشد.

این آثار، با وجود تفاوت در بستر و شیوه روایت، یک ویژگی مشترک دارند: آنکه تحول، نه از طریق خطابه و اجبار، بلکه از دل مواجهه انسانی با موقعیت‌های واقعی، در دناک و گاه خنده‌دار شکل می‌گیرد. سینمای ایران، با بهره‌گیری از فرهنگ معنوی غنی خود، توانسته نشان دهد توبه و بازگشت، همچنان از شریف‌ترین و انسانی‌ترین موضوعاتی است که می‌توان با زبان سینما بیانش کرد، چه در تاریکی زندان، چه تاریکی قبر و دفن شدن زیر شن‌ها و چه در مرزهای جملی مهاجرت و در میدان‌های مین.

اینها کاردانی به پشت‌صحنه‌هایی همچون نحوه مدیریت بحران، عملکرد گروه تفحص، دفن پیکر شهید، و چالش‌های هویتی و روانی خانواده‌ها پرداخته که در کمتر گزارش یا رسانه‌ای به این حداز دقت و جزئیات دیده شده است. نویسنده از روایت‌های تکراری و شعارزده پرهیز کرده و به سراغ تجربه‌های شخصی و خاص رفته است. در حالی که رویکرد بی‌طرفانه قابل ستایش است اما بعضی از مخاطبان معتقدند، کتاب فاقد صدای مؤلف یا دیدگاه تحلیلی مستقل است و بیشتر مجموعه‌ای از روایت‌هاست تا یک تفسیر عمیق از فاجعه. همچنین نویسنده وارد تحلیل‌های کلان‌تر در باره ابعاد سیاسی، بین‌المللی، یا تاریخی فاجعه نشده است. این خلأ برای خوانندگانی که شناخت کمتری از زمینه‌های حادثه دارند، گاه گیج‌کننده است. در بعضی بخش‌ها هم نیز شباهت میان روایت‌ها باعث ایجاد حس تکرار می‌شود، اگرچه این موضوع به واقعیت مشترک قربانیان اشاره دارد اما ممکن است برای برخی خوانندگان کسالت‌بار باشد. کتاب می‌توانست با افزودن نقشه‌ها، جدول‌ها، تصاویر، یا اسناد رسمی، بعد مستند بودن خود را تقویت کند. این کمبود در اثری مستند کمی محسوس است.

عدم ارائه زمینه تاریخی و سیاسی: کتاب اطلاعات مقدماتی یا تحلیلی درباره دلایل احتمالی حادثه، واکنش‌ها و ابعاد سیاسی آن نمی‌دهد. این خلأ برای مخاطبان ناآشنا با حادثه ممکن است باعث ابهام شود.

فقدان اسناد تکمیلی: افزودن نقشه محل حادثه، آمار دقیق، تصاویر یا اسناد رسمی می‌توانست کتاب را مستندتر و مرجع‌پذیرتر کند.

نوعی یکنواختی در ریتیم روایات: هرچند روایت‌های مختلف تنوع دارند، اما نبود یک داستان پردازی پویاتر در بدنه کتاب ممکن است باعث خستگی مخاطب شود.

فقدان صدای مؤلف در تفسیر نهایی: گرچه رویکرد بی‌طرفانه قابل احترام است اما خواننده گاهی انتظار دارد نویسنده دیدگاه خود را نیز

معرفی کتاب

«پاسیاد پسر خاک» روایت زندگی سید آزادگان

الهام رادمهر

حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی‌اکبر ابوترابی فرد، یکی از درخشان‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر ایران، نه تنها به عنوان یک روحانی مبارز و آزاده شناخته می‌شود، بلکه الگویی از صبر، تواضع و انسان‌دوستی در سخت‌ترین شرایط تاریخ، یعنی دوران اسارت در زندان‌های رژیم بعث عراق بود. او که حق «سید آزادگان» لقب

گرفته، با رفتاری الهام‌بخش، روحیه‌ای مقاوم و رویکردی پدرا نه نسبت به دیگر اسرا و اسطوره‌ای زنده در میان آزادگان تبدیل شد. در سال‌وز قاتل این چهره به‌بدیل (۱۲ خرداد)، بازخوانی آثار و منابعی که زندگی و شخصیت او را بازتاب می‌دهند، فرصتی مغتنم برای شناخت عمیق‌تر از این انسان وارسته است. کتاب «پاسیاد پسر خاک» نوشته محمد قبادی، یکی از ارزشمندترین تلاش‌ها در این زمینه به شمار می‌رود. این یادداشت به مناسبت سالگرد درگذشت شهید ابوترابی تنظیم شده و قصد دارد مروری بر محتوای این اثر مستند، ویژگی‌های روانی او و نقش آن در حفظ میراث معنوی آزادگان داشته باشد.

کتاب «پاسیاد پسر خاک» آثری مستند و پر جزئیات از زندگی حجت‌الاسلام ابوترابی فردی است که محمد قبادی با بهره‌گیری از حدود ۸۰ ساعت مصاحبه با نزدیکان، دوست‌سان، مبارزان و آزادگان همراه او تدوین کرده است. این مصاحبه‌ها در شهرهای مختلفی چون مشهد، قم، قزوین و تهران انجام شده و حاصل آن، کتابی است که هم از نظر محتوایی غنی است و هم از منظر روایت، خواندنی و تأثیرگذار.

کتاب در دو بخش کلی تنظیم شده است. بخش نخست، به دوران پیش از انقلاب اختصاص دارد و به زندگی خانوادگی، تحصیلات حوزوی، مبارزات سیاسی و ارتباط ابوترابی با شخصیت‌هایی چون شهید اندرزگو می‌پردازد. این بخش تصویری دقیق از زمینه‌سازی‌های فکری و اعتقادی او ارائه می‌دهد.

بخش دوم، به مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مقطع زندگی او یعنی دوران حضور در جبهه و سپس اسارت در زندان‌های عراق اختصاص یافته است. در این بخش، خواننده با چهره‌ای از ابوترابی روبه‌رو می‌شود که با اخلاق و تواضع بی‌نظیرش، توانست امید را در دل هم‌رزمانش زنده نگه‌دارد و در بدترین شرایط، نقش یک پدر، یک مرشد و یک راهنما را ایفا کند. یکی از نقاط قوت اصلی کتاب، دقت در مستندنگاری است. نویسنده به جای تکیه بر روایت‌های کلی و گاه احساسی، تلاش کرده است با استفاده از اسناد، نقل‌قول‌ها و خاطرات دست‌آول، تصویری واقع‌گرایانه و زنده از شهید ابوترابی ارائه دهد.

زبان روایت نیز از نقاط مثبت اثر است. هرچند کتاب در دسته زندگینامه‌های مستند جای می‌گیرد اما سبک نگارش آن خشک و گزارش‌نمیت. محمد قبادی با بهره‌گیری از نثری روان و نزدیک به زبان داستانی، مخاطب را همراه روایت می‌کند.

از سوی دیگر، این کتاب در بعضی مواضع نیاز به توضیحات بیشتری دارد؛ به‌ویژه در معرفی اشخاص یا زمینه‌سازی برای برخی وقایع تاریخی. درج باورهای یا پیوست‌های تکمیلی می‌توانست اثر را برای مخاطب عمومی، قابل‌فهم‌تر کند.

«پاسیاد پسر خاک» تنها یک زندگینامه نیست، این کتاب، تلاشی برای زنده نگه‌داشتن میراث اخلاقی، انقلابی و انسانی شخصیتی است که نه با خطابه‌های بلند، بلکه با سلوک شخصی‌اش تأثیرگذار بود. روزگاری که ثبت دقیق تاریخ و ارائه الگوهای واقعی از خودگذشتگی و تواضع، بیش از پیش اهمیت دارد، این اثر جایگاهی ویژه می‌یابد. به مناسبت سالروز درگذشت حجت‌الاسلام ابوترابی، مرور این کتاب نه فقط یادآور خاطراتی بزرگ، بلکه دعوتی است به تأمل در معنای واقعی رهایی، ایمان و آزادیگی.

